

زن و مرد

آیا بهتر است زنها یک مرد ناقص باشند
یا یک زن کامل؟



دارای ۲۳ جفت کروموزوم است که ۲۳ فرد آن از نطفه مرد و ۲۳ فرد آن از "اول" زن است جنسیت نطفه بارور شده، تابع کیفیت ترکیب کروموزوم جنسی مرد با کروموزوم جنسی زن است. اگر یک کروموزوم X زن با یک کروموزوم Y مرد همراه شود، نطفه بارور شده پسر و اگر Y مرد با X زن همراه شود، نطفه دختر خواهد بود.

در مورد حیوانات و گیاهان نیز اختلاف جنسی ناشی از ترکیب کروموزومهاست منتهی تعداد کروموزومها در نطفه همواره موجودات یکسان نیست.

هدف از اختلاف فیزیولوژی، کاملاً

در میان حیوانات و از جمله انسانها، دو جنس مخالف وجود دارد که از لحاظ بدنی و فیزیولوژی با یکدیگر اختلاف آشکار دارند. ریشه این اختلافات را باید در سلول نطفه‌ای جستجو کرد زیرا در هسته سلول نطفه‌ای زن ۲۲ جفت کروموزوم به علاوه یک جفت کروموزوم جنسی هم شکل وجود دارد که به آنها کروموزوم های XX میگویند و در هسته سلول نطفه‌ای مرد ۲۲ جفت کروموزوم با یک جفت کروموزوم جنسی ناهم شکل وجود دارد که آنها را XY می نامند.

سلول بارور شده آدمی از بر خورد

دو سلول نطفه‌ای نر و ماده پدید می آید و

معلوم است ، تولید و پرورش نسل در سایه همکاری و معاونت .

آنها اختلاف میان نر و ماده تنها در چارچوبه جنبه‌های جسمی و فیزیولوژیک محدود می‌شود یا اینکه بقلمرو امور نفسانی و پسیکولوژیک نیز سرایت می‌کند؟ اگر این اختلاف به آن جنبه‌ها سرایت می‌کند ، آنها فطری است یا تلقینی و تحمیلی؟

اگرچه در اینجا بحث ما صرفاً درباره زن و مرد است و لزومی ندارد که در باره حیوانات گفتگو کنیم ، لکن همانطوری که روانشناسان می‌گویند " شناخت رفتار حیوانات و کیفیت سازگاری آنها با محرک‌های طبیعی نیز در زمینه تحقیق علم روانشناسی است که البته این مطالعه صرفاً یک منظور غائی دارد و آن شناخت قوانین ناظر بر رفتار آدمی است .

بعبارت دیگر ، یک سلسه قوانین عمومی وجود دارد که هم بر حیوانات حاکم است و هم بر انسان . دسته‌ای از این قوانین مربوط به ساختمان بدن انسان و حیوانند و دسته‌ای دیگر مربوط به ساختمان نفسانی و پسیکولوژیک هر دو گروه .

بدینجهت است که شناسائی قوانین حاکم بر رفتار حیوانات ، می‌تواند ما را در شناخت قوانین حاکم بر رفتار انسان - تا حدی یاری دهد -

رفتارهایی که از انسان یا حیوان سر می‌زند ناشی از عواملی است که دست‌نیرومند

آفریننده هستی در نهاد انسان بودیمت نهاده است - این عوامل در اصطلاح روانشناسی " انگیزه " نام دارند .

گرسنگی انگیزه‌ای است که موجود زنده را به کوشش و امیدارد تا غذایی فراهم نماید و سدجوع کند . تشنگی نیز انگیزه دیگری است که به هنگام کمبود آب بدن پیدا میشود و او را برای تهیه آب نوشیدنی به تکاپو و امیدارد بعضی از انگیزه‌ها مانند دو انگیزه یاد شده جنبه فردی دارند و هدف آنها حفظ فرد است و بعضی دیگر جنبه نوعی داشته ، هدف آنها حفظ نوع است مانند انگیزه جنسی .

همیشه انگیزه‌ها بدن‌بال نیازهای جسمی و روانی پیدا می‌شوند و از بی آنها موجود زنده به کوشش و تلاش می‌پردازد تا نیاز خود را برطرف سازد .

انگیزه‌ها با طبیعی هستند یا اکتسابی روانشناسان انگیزه کسب موفقیت و جمع‌آوری مال و تقلید و پرخاشجویی را انگیزه‌های اکتسابی میدانند و انگیزه‌های تشنگی و گرسنگی و جنسی و ... را طبیعی .



انگیزه‌های مشابه

بدون تردید ، بسیاری از فعالیتها

دعارا در ردیف جادو و پاسخهای شرطی قرار داده می‌گویند: " بهبود یافتن بیماران نیز ارتباطی با دعا و جادو و مانند اینها ندارد. اما این دو باهم اتفاق می‌افتند و لذا در ذهن افراد بین دو عامل نامربوط یک رابطه علت و معلولی پدید می‌آید و به این ترتیب گونه‌های عقاید خرافی پدید می‌آید^۱ غافل از اینکه دعا یک انگیزه طبیعی دارد و از پاسخهای شرطی نیست. مقصود از جادو هم اگر همان سحر است باید بگوئیم که ارتباطی با پاسخهای شرطی ندارد.



تفاوت انگیزه‌های مرد و زن

بهر حال، فعلا بحث در این مقوله نیست. می‌خواهیم ببینیم آوازن و مرد از لحاظ انگیزه‌های طبیعی که منشاء بروز رفتارهای متفاوت می‌شوند، بایکدیگر اختلافی دارند یا نه؟

پاسخ ما به این سؤال مثبت است. زن دارای انگیزه مادری است. انگیزه مادری یک انگیزه طبیعی است نه اکتسابی. در آزمایشهایی که بوسیله جعبه مانع با موش سفید

و تلاشهایی که از موجودات نر و ماده سر می‌زند ناشی از انگیزه‌های مشترکی است که خاص هیچیک از آنها نیست، نظیر انگیزه گرسنگی، تشنگی، جنسی و...

در اینجا کاری به رفتارهایی که معلول انگیزه‌های اکتسابی هستند نداریم زیرا تفاوت نر و ماده یا زن و مرد، در اینگونه رفتارها نمی‌تواند نمایانگر وجود اختلاف در فطرت و سرشت آنان باشد.

تنها رفتارهایی می‌توانند اختلاف دو جنس را از لحاظ فطری آشکار سازند که از انگیزه‌های مختلف طبیعی ناشی شوند.

بسیاری از انگیزه‌های طبیعی نه تنها به جنس نر یا ماده اختصاص ندارد، بلکه در میان همه جانداران مشترکند. نظیر انگیزه گرسنگی و تشنگی و جنسی و... اما انسان دارای یک سلسله نیازهای روانی است که خود منشاء بسیاری از رفتارهای خاص هستند مانند کارها و رفتارهایی که از میل یا نیاز روانی انسان به پرستش و نیایش و دانش‌نیکی و زیبایی ناشی می‌شوند.

متأسفانه، برخی از نویسندگان علم‌رغم نظریه‌های که مورد تایید روانکاوان و روانشناسان و حتی عده‌ای از دانشمندان علوم تجربی و فلاسفه واقع شده، نیایش و

۱- روانشناسی سال سوم آموزش و پرورش متوسطه عمومی - اقتصاد اجتماعی - فرهنگ و ادب ص ۸۰ نشریه وزارت آموزش و پرورش

نتیجه اینکه زن بخاطر همین انگیزه طبیعی نمی‌تواند مرد باشد و مرد نیز بخاطر همان انگیزه اکتسابی و غیر طبیعی نمیتواند زن باشد. گرایش هریک از آنها به طرف دیگر خروج از جنسیت طبیعی خود و پذیرش یک جنسیت ناقص و تصنعی است.

وپل دورانیت می‌نویسد "اگر زنان بخواهند کارهای مردان را کاملاً انجام دهند، خواهند توانست با آنان رقابت کنند و در صفات اخلاقی و ذهنی از هر جهت با آنان برابر شوند اما شاید زنان ذوق بهتری نشان دهند یعنی این دوران تقلید بگذرد و آنان دریابند که مردان قابل این همه ستایش نیستند که مورد تقلید زنان واقع شوند و نیز زنان دریابند که ذهن و هوش دو چیز جداگانه است و سعادت نیز مانند زیبایی و کمال در اجرای وظایف طبیعی خاص هر جنس است و نیز زنانی که آزادی را تبلیغ می‌کنند بدانند که مرد ناقص شدن، کاری نیست بلکه مهم زن کامل بودن است. مادری رافنی بدانند که برای آن به همان اندازه هوش و استعداد لازم است که در بکار بردن اهرم و قرقره و پیچ و مهره. و شاید دریابند که بزرگترین هنرها همین است^۲

البته وی امیدوار است که زنان با

بقیه در صفحه ۶۵

انجام گردیده، معلوم شده است که این انگیزه از تمام انگیزه‌ها قویتر است، به علاوه این انگیزه زمینه فیزیولوژی نیز دارد. زیرا هنگامی که به "کرتکس مغزی" موش ساده، صدمه‌ای می‌رسانند این انگیزه، بکلی از میان می‌رود.

ممکن است در مورد انسان، انگیزه مادری تحت تاثیر شیوه‌ها و رفتارهای اجتماعی قرار گیرد مع الوصف، این مطلب به فطری بودن آن صدمه و لطمه‌ای وارد نمی‌سازد.

اما مردان، انگیزه‌ای که دارند، انگیزه پدری است، این انگیزه خواه طبیعی و خواه اکتسابی باشد، منشاء تفاوت بسیاری از رفتارهای مرد و زن می‌شود. منتهی اگر اکتسابی باشد مردان یک تفاوت دیگر نیز با زنان پیدا می‌کنند.

روانشناسان معتقدند که انگیزه پدری اکتسابی است ممکن است پدر در ماه‌های اول از نوزاد خوش نیاید پدری بعد از مرگ همسر و ازدواج با زنی دیگر، نسبت به فرزندان همسر اول بی‌علاقه شود معلوم می‌شود علاقه پدری اساس فیزیولوژی و پسیکولوژی یک‌نندارد و بر عادت و نوعی یادگیری استوار است.

این تفاوت عمده، مسیر زن و مرد را در زندگی جدا می‌کند و هر کدام را بر رفتار و اعمالی و امیدارد که با رفتار و اعمال دیگری متباین است.

۲- لذات فلسفه ص ۱۵۶

فدا، یک عقیده انحرافی و بدآموز

مذهب به صورتی که امروز در کلیسا تبلیغ می شود مانع هرگونه فکر اصلاحی است

پیشین، بطور قاطع و نافذ بر افکار عموم حکومت داشته است .

منظور این است که اولاً بدانیم آیا مسأله فدا که مسیحیان شدیداً بدان پای بندند و اساس مذهبشان را تشکیل می دهد، دارای اصالت تاریخی هست یا نه؟ آیا اینکه می گویند مسیح برای رهائی انسانها از بلهه " گناه موروثی " و نجات او از انواع کبیرهای دنیائی و آخرتی به دار آویخته و کشته شده است (فدا) ریشه ای در عهدین و یا لاقلاً در دیگر کتابهای مذهبی مسیحیت دارد یا نه؟

ثانیاً ببینیم آیا یک چنین عقیده از نظر عقل و استدلال می تواند یک عقیده منطقی و قابل توجیه علمی باشد؟ آیا آن

یکی از مسائل مهم و بلکه " بفرنج "

مسیحیت فعلی، که اکنون رهبران کلیساها را دست و پاگیر کرده، اعتقاد به " فدا " شدن مسیح برای " نجات " انسانهاست .

پدران روحانی ! به مسیحیان و به همه انسانهای جهان، تعلیم می دهند که عیسیای مسیح، به دنیا آمد، و تمام مشقات و رنجها را متحمل و سپس کشته شد (البته بر حسب عقیده خود) تا موجب نجات و رستگاری مردم شود .

ما اینک کاری به این نداریم که اعتقاد به موضوع " فدا " مانند بسیاری از عقاید دیگر مسیحیت " کپی " و تقلیدی است از عقاید خرافی و باطل که در مذاهب

"متی" در اینجا با صراحت تمام اعلام می‌کند که خون مسیح بدار آویخته ، بجهت فدیة و آرمزش گناهان مردم ریخته شده‌است " همین موضوع در رساله‌های رسولان و شاگردان مسیح که هم اکنون جزء کتابهای باصطلاح آسمانی مسیحیت محسوب می‌گردد و لذا ، اغلب ، ضمیمه اناجیل چهارگانه منتشر می‌شود ، بطرز روشنتری بیان شده است .

در رساله یوحنا می‌خوانیم : " او است کفارهای بجهت گناهان ما ، نه گناهان ما فقط ، بلکه بجهت تمام جهانیان نیز " ^۲ و نیز " پولس رسول " که در شمار شاگردان مسیح قرار می‌گیرد در رساله خود به " عبرانیان " پیرامون خدا و کشته شدن مسیح بخاطر نجات و رهائی انسانها می‌نویسد " چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید بدست راست کبریا در اعلیٰ علیین نشست " ^۳ " مسترهاگس " آمریکائی برای آنکه به خرافه " فدا " قدمتی بس طولانی در تاریخ عقاید مذهبی ببخشد مدعی است در شرایع یهود نیز از مساله فداء سخن رفته است . وی در " قاموس کتاب مقدس " پس از بیان معانی متعدد فدا پیرامون فدائی که مسیحیان در مورد مسیح معتقدند می‌نویسد : " در شرایع یهود ، مطالب مهمی

اعتقاد ، سازنده و مایه تکامل و تقویت روح بشر است یا موجب تخدیر ، انحطاط ، تجری و گستاخی او که صدها گونه گمراهی و فساد نیز برایش به ارمغان می‌آورد ؟ شکی نیست که مساله فدا بصورتیکه اکنون از معتقدات تمام فرقه های معروف مسیحیت است ، در کارگاههای تحریفی کلیساها دستکاری و نقاشی شد ، و این مساله باچنان بافتش از مسائل خود در آورده‌ی سازمانهای روحانی ! مسیحیت است .

ناگفته نگذاریم که بحث و بررسی در متون کتابهای مذهبی مسیحیت ، نشان می‌دهد که بذر این " عقیده خرافی " و بدآموز در لایه‌های تعالیم تحریف شده آنها پراکنده است . باز تکرار می‌کنیم که این اعتقاد با رنگ و رونق خاص کنونی از ساخته‌های کلیسا است ، ولی باید توجه داشت اگر در اناجیل موجود تصریحی در مورد لفظ " فدا " نیست اما با صراحت تمام به مفهوم و لازمه‌ی آن دلالت دارد .

چنانکه در انجیل متی (که مسیحیان آن را معتبرترین اناجیل موجود می‌دانند) از قول مسیح در آخر های عمر او ، خطاب به شاگردانش چنین نقل می‌کند : " این است خون من " در عهد جدید " که در راه بسیاری ، بجهت آرمزش گناهان ریخته می‌شود " ^۱

بسیاری یافت می شود که اشاره به مبدا و منبع " فدائی " می باشد که مسیح آن را به عمل آورده و تکمیل نمود . یعنی در وقتی که خود را برای رفع هر قید و مسئولیتی " فدیسه " گذرانید تا هر کس که در تحت غلامی و بندگی " گناه " است آزاد سازد ، و شرط این آزادی این بود که شخص گناهکار " فادئ " (کسیکه فدائی شود) خود را با تمام دل قبول کند و قلباً به وی ایمان آورد ^۴

بدینگونه می بینیم کتابهای مذهبی مسیحیت ، با تلقین چنین عقیده های نامعقول و غیر منطقی ، راه را برای بدآموزی سردمداران کلیسا و انحراف مسیحیان از مسیر تعالیم آسمانی پیامبران که مسیر " حق و عدالت " است باز می گذارد و در تشویق و تقدیس این نوع پندارها ، عقاید مذهبی مسیحیت را به رسوائی و ابتذال می کشاند .

فداء یا پی آمد گناه موروثی

گفتیم که مساله فداء ، از ساخته های افکار انحرافی مسیحیت است ، و وجود آن در کتابهای مذهبی این ملت ، دلیل روشنی بر دگرگونی و دستخوردگی آنها می باشد ، اما خود این موضوع مولود یک عقیده انحرافی دیگری است که کتابهای عهد قدیم و جدید آن را به پیروان خود تعلیم و تلقین داده

است .

آن عقیده باطل و تحقیر آمیز که پی آمدی چون فداء آورد عبارت است از اعتقاد به " گناه موروثی " یا " گناه ذاتی "

در منابع دست اول مذهبی مسیحیت شخصیت انسانی سخت دستخوش تحقیر است ، و منش او با توجه به گناه موروثی اش هرگز نمی تواند هنجار و ارزشمند باشد . این کتابها میگویند نوع انسان با گناه حضرت آدم و حوا دچار گناه ذاتی گشت ، بنابراین هیچ بشری نمی تواند پاک و بدون گناه باشد . چنانکه " مسترهاکس " با استفاده از عهدین و استناد به دیگر کتابهای مذهبی یهود و مسیحیت می نویسد :

" کتاب مقدس ، مبدا پیدایش گناه را به والدین اول ، (آدم و حوا) نسبت میدهد لہذا هیچکس بدون گناه نمی باشد (یعنی موروثی است) ^۵

بنابراین انسان در " اومانیسم " مسیحی موجودی محقر و پلید است . ناچار برای جبران شکست روحی و رفع " قدرات باطنی " باید به عاملی پناه ببرد تا درون ناپاکش را " تطهیر " کند و " شخصیت " ضربه خورده اش را زنده سازد .

این عامل از نظر مسیحیان جز اعتقاد به فداء و محبت به " فادی " ^۶ چیز دیگری نمی تواند باشد . تعجب در این است که

رهبران کلیساها به جای اینکه انسانها را به عمل و تلاشی بیگیر و کوششی خستگی‌ناپذیر و مبارزه‌ای مداوم با پلیدی گناه تشویق کنند برای نجات و رستگاری تنها ایمان به فادی و محبت او را در دل داشتن بسنده می‌دانند. "جان‌الدرد" که بخوبی از معارف و تعالیم انجیلی آگاه است می‌گوید:

اناجیل موجود، با همه تقدیس و احترام‌خاصی که نسبت به ایمان دارد، در عین حال نقش عملی را نادیده نمی‌گیرد.^۷ "لاندامان" نیز مانند وی با استناد به اناجیل چهارگانه می‌گوید: اگرچه انسان در کتاب مقدس، به "گناه زدگی" متهم شده است ولی می‌تواند در پرتو عمل و ایمان، راه سعادت خود را انتخاب کند.^۸

اما پدران روحانی! برای آنکه بتوانند گروه‌های بیشتری را به آئین کلیسا جذب کنند، تنها ایمان و محبت به مسیح را کافی می‌دانند و در تمام تبلیغات گسترده و جهانی خود، به مردم اعلام می‌دارند، که یگانه راه نجات از گناه موروثی و رهائی از کیفرهای الهی همان دو جمله است و پس:

ایمان به مسیح و محبت به او! .
تصور می‌کنیم، آنچه که در این زمینه آورده‌ایم برخی از خوانندگان، مستقیماً در نشریات و تبلیغات مسیحیت که متأسفانه شاید در ایران خیلی کمتر از نشریات اسلامی نیست دیده‌اند، از اینرو از نقل مطالب پراکنده آنها در این مورد که بدست ما رسیده است

خودداری می‌کنیم .

مبشران مسیحی باید بدانند که هر انسان خردمند به ویژه قشر روشنفکر جوان (چه مسیحی و چه مسلمان) به خوبی آگاهند که خرافه گناه موروثی و فدا شدن مسیح برای رهائی انسانها از بار سنگین چنان "گناه ناکرده" هرگز نمی‌تواند از تعالیم آسمانی یک پیامبر راستین مانند عیسی که خدا او را "کلمه" و نشانه خود می‌داند و "روح الله" اش می‌خواند باشد .

مبشران مسیحی باید بدانند که هیچگاه با تبلیغات عاری از منطق، نه تنها نمی‌توانند راهی در افکار روشن و مغزهای متفکر نسل حاضر، برای پذیرش مسیحیت، بگشایند، که موجب انزجار و مانع پیشرفت افکار آنها به ویژه قشر تحصیل کرده نیز خواهند بود چنانکه "راسل" می‌گوید "تصور می‌کنم مذهب به صورتی که امروز در "کلیسا" رواج دارد مانع پیشرفت هر نوع فکر شرافتمندانه و صحیح می‌باشد."^۹

۱- متی باب ۲۶ جمله ۲۸

۲- رساله‌ی اول یوحنا رسول باب ۲ جمله ۲

۳- رساله پولس به عبرانیان باب ۱ جمله ۳

۴- قاموس کتاب مقدس ص ۶۴۶

۵- قاموس کتاب مقدس ص ۷۵۳

۶- به عقیده مسیحیان لقب حضرت مسیح است

۷- نگاه کنید به تاریخ اصطلاحات کلیسا ص ۶۶

۸- کتاب انسان‌شناسی فلسفی بخش انسان‌شناسی

انجیلی را بخوانید

۹- جهانی ده من می‌بینم ص ۲۹ بنقل سیمای

اسلام ص ۱۷۴

کامی بسوی مبارزه با بیگانه‌گری در فرهنگ اسلامی

سنت اجتماعی درآمده و با به عبارت صحیحتر درد بی‌درمانی شده است که جامعه ما با آن دست بگریبانست .

گدایان حرفه‌ای برای تحریک حس مذهبی افراد ، مقدسات اسلامی را دست‌آویز خود قرار داده و به نام پیامبر (ص) و امامان متوسل می‌گردند و گاهی کتاب آسمانی را وسیله گدائی قرار می‌دهند و در نتیجه این دو امانت گرانبهای پیامبر را ، در معرض اهانت ، قرار می‌دهند .

امروز به گواهی آثارهای گویا که از گدایان حرفه‌ای بدست آمده است ، گدائی

در شهر تبریز در پرتو راهنمایی علماء و گویندگان مذهبی و افراد روشن و با ایمان ، یک اقدام خداپسندانه در راه مبارزه با یکی از گرفتاریهای اجتماعی صورت گرفته است و این عمل می‌تواند سرمشقی برای سایر شهرستانها باشد که با چنین گرفتاری دست بگریبان هستند . از این جهت به چاپ این مقاله که بیانگر نحوه مبارزه با این مشکل اجتماعی است ، مبادرت می‌ورزیم .

سؤال به کف که از نظر اسلام مذموم و ناپسند است متأسفانه در اثر ابراز عواطف بیجای برخی از ساده لوحان به صورت یک

مکتب اسلام

طبقات مختلف مردم تصمیم گرفته اند که با طرحی کاملاً ابتکاری این درد بزرگ اجتماعی را درمان کنند و هیئتی بنام " حمایت مستمندان تبریز " در تاریخ ۲۶ ماه مبارک رمضان ۱۳۹۴ شروع به فعالیت نموده و موسسه خود را به ثبت داده و سرانجام شخصیت حقوقی یافته است .

هیئت حمایت مستمندان تبریز را گروه‌های مختلفی تشکیل می‌دهند و هر گروهی وظیفه مخصوصی بعهدہ دارد .

۱- گروه تحقیق - متشکل از ده نفر میباشد و مناطق مختلف شهر از نظر بررسی درماندگان به پنج منطقه تقسیم شده است که هر ۲ نفر مامور بررسی مستمندان یک منطقه هستند که باهم برای تحقیق میروند .

۲- گروه تبلیغ - از چهار نفر متشکل میباشد که وظایف آنها تبلیغ اهداف و اقدامات هیئت ، ب مردم بوسیله آگهی ها و نصب تابلوهای تبلیغاتی و تشکیل جلسات سخنرانی و شرح فعالیت جمعیت می باشد .

۳- گروه کاریابی - متشکل از چهار نفر که وظیفه دارند برای مستمندان که از طرف گروه مشورتی به آنان ارجاع می شود کار مناسبی که درخور استعداد و توانائی و بسا شخصیت و موقعیت آنان باشد پیدا کنند .

۴- گروه مشورتی - متشکل از پنج نفر است ، اینها پرسشنامه هائی را که در مساجد بوسیله معتمدین از مستمندان تنظیم و توسط

حرفه‌ای یکی از پردرآمدترین کسب های روز شده است و در نتیجه مستحقان واقعی و آبرومند ، محروم و درمقابل ، گدایان غیر مستحق از درآمد سرشاری برخوردارند .

این کار سبب شده که در ماههای محرم و رمضان گروهی از دور و نزدیک به شهرها و قصبات هجوم آورده ، و با نهایت تاسف احیاناً با استفاده از لباس مقدس روحانیت و لباس سیادت ، در محافل و مجالس مبالغ زیادی بدست بیاورند . این گروه برای اثبات استحقاق خود با انواع شیادی ، حتی گاهی مدارک جعلی از مراجع وقت به دست گرفته و به مردم ساده لوح ارائه میدهند . همه این ناپسامانیها معلول عدم توجه مسلمانان به دستورهای اسلام در راه مبارزه با فقر و بیچارگی است .

بخشش بیجا و بدون دقت در نیاز و عدم نیاز افراد ، نیروی کار و عزت نفس را از میان برده و گروه زیادی را بسوی ذلت و پستی سوق میدهد و در نتیجه مردم به جای مبارزه با فقر و دستگیری محرومان ، گداپروزی می کنند و مساجد و معابد جولانگاه انگل های اجتماعی گردیده و صفا و روحانیت را از مجالس سلب نموده است .

از این گذشته ، گدائی کردن این گروه در معابر و خیابانها نفرت بیگانگان را برمی انگیزد .

با توجه به این جهات گروهی از

صندوقهای آهنی مخصوصی تهیه شده که روی آنها جمله " صندوق حمایت مستمندان تبریز " نوشته شده است که حدود ۲۰۰ عدد در مساجد و ۶۰ عدد در بازار و ترمینال و خیابانها (بتصدی یکی از مفازهدارها) و دفاتر کارازهای باربری نصب شده است. هر ماه یکمرتبه وجوه صندوقها بوسیله معتمدین مساجد یا صاحبان مفازها یا نمایندگان هیئت به حساب شماره ۲۰۰۰ این هیئت، (در موسسه قرض الحسنه الصهدی) واریز و فیش آن به دفتر حمایت مستمندان تبریز تسلیم می شود تا در دفتر مربوط ثبت گردد و اشخاصی که مایل باشند خودشان مبلغی اهداء کنند شخصا به همان حساب واریز می نمایند. جالب آنکه روی این صندوقها این شعار چشم می خورد: اگر می خواهید صدقه شما به مستمندان واقعی برسد، پول خود را به صندوقها بریزید.

طرز رسیدگی به مستمندان

پرسشنامه‌هایی (که نمونه آن اکنون در دفتر مجله موجود است) در اختیار معتمدین مساجد گذاشته شده که هرگاه گدای حرفه‌ای یا فقیر آبرومندی به مسجد مراجعه کند پرسشنامه را تکمیل و ۲ قطعه عکس و فتوکپی صفحه اول شناسنامه و صفحه اولاد را بدفتر حمایت مستمندان تسلیم نماید تا در دفتر

گروه تحقیق بررسی شده و بصورت پرونده درآمده، بدقت مطالعه می کنند و بعد از مشورت، نظر می دهند.

۵- گروه بازرسی - متشکل از پنج

نفرند که وظیفه دارند از امور جاری هیئت و فعالیت تمام گروهها و نحوه کارها بازرسی نمایند و گزارش دهند. عکسها و مشخصات و میزان مستمری گدایان حرفه‌ای در دفترچه‌هایی نصب و ثبت شده که بوسیله گروه بازرسی در اختیار اشخاص یا صلاحیت می گذارند که در صورت تکدی آن افراد به هیئت گزارش میکنند تا مستمری آنان قطع گردد.

۶- گروه مالی - از پنج نفر متشکل

و وظیفه آنها بررسی امور مالی اعم از جمع آوری و واریزی وجوه صندوقها به حساب جاری هیئت و سایر امور و مشکلات مالی و میزان بودجه می باشد.

توضیح - رئیس و نایب و مسئول

چاپ آگهیها و سایر اوراق لازم و تهیه و نصب صندوقها و غیره نیز از افراد هیئت مزبور انتخاب و غالبا هر فردی از اعضاء هیئت، دو یا سه سمت دارد و اکثر کارهای این هیئت توسط خود اعضاء انجام می گیرد و فقط یک نفر منشی استخدام شده است که حقوق مشارالیه و سایر هزینهها بوسیله اعضاء هیئت افتخارا پرداخت می شود.

بودجه مستمندان چگونه تامین می شود

مربوط ثبت گردد .

و جنسی بوسیله معتمدین آن مسجد بمستمند داده میشود . و مستمند مریض به طبیب ارجاع و بیکاره‌ها به گروه کاریابی هیئت ، معرفی و سایر اقدامات و رفع نقایص مستمندان توسط اعضاء هیئت انجام میگردد .

مستندی که پول مستمری یا قطعی بخواهد پرداخت می‌شود باید ضامنی ارائه دهد که هم ضامن و هم خود مستمند تعهد نمایند که هرگاه از اشتغال بکار محول شده استنکاف نماید یا مجدداً اقدام به گدائی کند ، وجوه دریافتی را به صندوق مسترد نموده مستمری بعدی بکلی قطع خواهد شد (این دو مورد تخلف با گزارش یکی از اعضاء هیئت ثابت می‌شود و قطعی تلقی میگردد) .

بایکی از شرکت های مسافربری قراردادی منعقد شده که مسافرین درمانده را با امضاء یکی از ۳ نفر عضو این هیئت که به این منظور تعیین شده اند ، تا مسافر درمانده را به هزینه هیئت بمقصد خود برساند هرگاه مسافر مزبور از حرکت فوری معذور باشد به مسافرخانه‌ای که برای اقامت کوتاه این گونه افراد ، با آن قرارداد بسته شده معرفی و از وسائل استراحت و اطعام مجانی برای مدت یک شب استفاده می‌نماید .

برائرتأسیس یک چنین هیئت ، علاوه بر اینکه کلیه مساجد تبریز از مزاحمت گدایان و سیدنماهای دروغین ، خلوت شده ، معابر شهر نیز هصدی هشتاد از این گروه پاک گردیده است .

این پرسشنامه‌ها هر یک به شکل پرونده منظم ، به گروههای تحقیق مناطق پنجگانه مذکور تحویل داده می‌شود که پس از بررسی دقیق نظر خود و اظهار نظر همسایگان و اصناف محل سکونت مستمند را در پشت ورقه درج نمایند و آنرا مجدداً بازگردانند ، این پرونده‌ها پس از تکمیل و بررسی ، هر هفته یکی دوبار بوسیله گروه مشورتی بررسی می‌شود و درباره هر فردی ، مناسب نیاز خود اقدام می‌شود . مثلاً بیماران را به طبیب برده و بیماران را بکار می‌گمارند و برخی را با دادن سرمایه مختصر و تهیه ابزار کار (ماشین بافتنی و دوختنی و چرخ دستی و ...) زندگی او را تامین می‌کنند و معتادان را به درمانگاه معتادین روانه می‌کنند و مخارج خانواده وی را تا ترک کامل اعتیاد و داشتن قدرت کار متکفل شده و بدرماندگان و پیران و معلولین و خانواده‌های بی سرپرست ، بعنوان تمام خرج یا کسر هزینه ، مستمری ماهانه پرداخت میشود و در صورت اطلاع ، به هزینه ازدواج فرزندان مستمندان کمک می‌شود (بیشتر مواقع ، بودجه این کار بوسیله اعضاء و اشخاص خیر تامین می‌شود) .

گروه مشورتی ، این تصمیمات ، و نظریه خود را به معتمدین مساجدی که پرسشنامه در آنها تکمیل و ارسال گردیده است کتباً اعلام میدارند که کمکهای قطعی و مستمری

گامی در راه اخوت اسلامی

چندی قبل در یکی از کتابهای درسی کشور عربستان سعودی، مطالب نادرست و زنده‌های درباره شیعه نوشته شده بود که هیچگونه با حقیقت وفق نمی‌داد. مطالبی بود که بارها از جانب علمای شیعه بوسیله کتابها و مقاله‌ها جواب داده شده است. انتشار این کتاب موجی از ناراحتی در مجامع شیعه و طبقات مختلف و علاقمندان وحدت و اخوت اسلامی پدید آورد و از طریق مقامات دینی نامه‌هایی به مرکز "رابطة العالم الاسلامی" در مکه و رئیس دانشگاه اسلامی الازهر "در مصر" نوشته شد.

مجله مکتب اسلام که پیوسته در مسائل و موارد مشابه، از هر نوع اقدام لازم فروگذار نمی‌کند، در این راه گامهایی برداشت و نامه‌هایی به مقامات و شخصیت‌های مختلف اسلامی از آنجمله دکتر "عبدالحلیم محمود" رئیس و "شیخ ازهر" مصر، نوشت و در آن نامه یادآور شد که این قلم‌های مسموم که زائیده فکر یکی دونفر از افراد مغرض و یابی‌اطلاع بهش نیست، لطمه شدیدی بر اخوت اسلامی و وحدت دینی وارد می‌سازد و از او خواستار شد که در این موضوع اقدام کند تا در چاپ‌های آینده کتاب مزبور، این قسمت اصلاح شود.

اخیرا یکی از علمای محترم تهران که به قاهره سفر کرده بود، جریان را با شیخ ازهر در میان نهاده و نامبرده در پاسخ نامه‌هایی که بموی نوشته شده است، اقدام به پاسخ صریح و مثبت و سازنده‌ای نموده که متن نامه و ترجمه آن ذیلا از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

۱- تاریخ کلاس دوم دبیرستان رشته ادبی ص ۱۴۹

بیتنا للعلم والارشاد

الازهر
مكتبة الإمام الأكبر
شيخ الأزهر

ساعة المسح حسن سعيد

من طاب لهبران

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته • همد
فان الأزهر لا يحسن الا اننا الامانة والى اعواننا
الجمعة الا كل بقه ونحن الآن نى دور ندعو فيه الى الوحدة والاعتدال
وانا حدثت عنى من هنا او هناك مستظون ان نعلمه ان نعلمه
وتسرجيما فى طريق السلام والحب والود •
يا ربه نى كتاب تذكرة التوحيد يجعل ان شاء الله •
نرجو ان يحدث لك عنكم انا حدث •
بمكر الله لنا من فى الوحدة •
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته •

تبرالي ۱۳۷۷/۱۰/۲۵ م

(عبدالمعلم حمود)
عبدالحليم محمود
شيخ الازهر

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور شيخ حسن سعيد - طهران

درود و رحمت خدا و برکات او بر شما باد

دانشگاه الازهر پیوسته نسبت به برادران شیعه ما از " امامیه " و " زیدییه " احساس مهر و مودت می نماید اکنون ما در موقعیتی قرار گرفته ایم که همه طوائف اسلامی راه یگانگی و برادری دعوت می کنیم و اگر چیز ناگواری اینجا و آنجا رخ داد کوشش می کنیم که آنرا اصلاح کنیم و شما نیز آنرا اصلاح کنید تا همگی در راه صلح و صفا ، همراه با مهر و مودت گام برداریم .
مطلبی که در آن کتاب وارد شده است به خواست خدا اصلاح می شود و امید است که اگر چنین چیزی در میان شما نیز رخ داد اصلاح گردد .
خداوند کوشش کسانی را که در راه وحدت و یگانگی انجام وظیفه می کنند

بپذیرد .

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

در تاریخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۵

عبدالحلیم محمود شیخ الازهر

مهدی فقیه ایمانی
از اصفهان

اظهار نظر و صاحب نظران

گسترش رشته‌های مختلف علوم ، و افزایش دامنه دانش‌های بشری ، دانشمندان را برآن داشته است که موضوع تخصص را در علوم و فنون ، پیاده کنند و هر فردی را برای صرف وقت بیشتر ، در رشته‌ای از رشته‌ها بگمارند و نظر او را در مقام قضاوت و داوری در رشته مزبور نافذ بشمارند ، در حالی که همان متخصص ، از اظهار نظر در رشته دیگر ممنوع می‌باشد . و هرگاه برخلاف این قانون در موضوعی که رشته تخصصی او نیست اظهار نظر کند کار او را تجاوز به حریم تخصصی دیگران میدانند .

مثلاً علم پزشکی دارای رشته‌های تخصصی فراوان است از قبیل : چشم پزشکی ، دندان پزشکی ، روان پزشکی ، اعصاب و عروق قلب ، حلق ، و گوش و بینی ، زایمان ، جراحی و . . . که تنها قسمت جراحی ، به رشته‌های گوناگون " ارتوپدی " ، مری ، معده عمومی و . . . منسحب می‌گردد . امتیاز متخصص این است که دنیای علم و قانون به هر یک از تحصیلکرده‌های رشته‌های نامبرده حق هرگونه اظهار نظری در آن رشته را میدهد و نظر آنها در مورد قوانین حقوقی ، قضائی ، و شرعی ملاک حکم قرار می‌گیرد .

در کارهای صنعتی و مکانیکی انواع ماشین‌آلات کامپیوتری یا ساختمان نیز مطلب از همین قرار است . البته پذیرش نظر متخصص و محرومیت دسته دیگر از اظهار نظر (که از آن تعبیر به قرارداد اجتماعی هم می‌توان کرد) بدانجهت است که اصولاً دخالت و اظهار نظر غیر اهل فن از روی ناآگاهی در هرکاری ، مایه گمراهی و انواع ضررهای جانی

مالی، حیثیتی، فردی یا اجتماعی می‌شود. و "ارث"، درگرو آگاهی از ریاضیات و هیئت و غیره می‌باشد. که شرعا و قانونا باید از عهده خسارت آن برآید.

اکنون باید توجه داشت که رشته‌های علوم اسلامی (عقاید، احکام و قوانین، حقوق قضاء، تفسیر قرآن، احادیث، تاریخ، و...) دست‌کمی از مسائل پزشکی، مهندسی و میکانیکی ندارد. بلکه به مراتب، دقیق‌تر فنی‌تر و هر یک دارای رشته تخصصی جداگانه‌ای است که دست‌یافتن به آن، مشروط به تحصیل مقدمات علمی و کسب اطلاعات مربوط از اساتید فن و صرف وقت زیاد است.

تنها رشته فقهت و رسیدن بدرجه اجتهاد، و صلاحیت اظهار نظر در قوانین اسلامی و تشخیص حلال و حرام، مشروط به خواندن و تحقیق یک‌دوره کامل علوم زیر است:

- ۱- علم صرف ۲- نحو ۳- لغت ۴- منطق ۵- درایه ۶- رجال ۷- تفسیر آیات احکام ۸- اصول فقه ۹- آگاهی از احادیث فقهی، داشتن نیروی استنباط و اجتهاد که بتواند با مراجعه به آیات و احادیث صحیح، بر مبنای الگویی که بنام اصول فقه است اظهار نظر فقهی نماید.

تنها بهره‌گیری از آیات قرآن درگرو اطلاع از ادبیات عرب، تاریخ اسلام، شأن نزول آیات و آگاهی از احادیث مربوط است و احياناً پیاده کردن قوانین مربوط به قبله

جراحی قلب که صدها قلب را عوض کرده و عکس و بیوگرافی او در مجله‌های علمی دنیا منتشر گردیده و مدالهای زیاد علمی از دست رؤسای جمهوری و دانشگاهها دریافت کرده، نمی‌تواند و هیچ منطقی به او اجازه نمی‌دهد در جراحی چشم بازایمان (با اینکه از شاخه‌های علم پزشکی است) اظهار نظر و دخالت کند تا چه رسد باظهار نظر مثبت یا منفی در احکام حلال و حرام اسلام و قوانین حقوقی و قضائی یا مشکلات اعتقادی آن. به طور مسلم چنین کسی از علوم مقدماتی این مسائل و ریزه - کاربرهای فنی این رشته اصلا بی‌خبر است، همچنانکه یک نفر مجتهد مسلم و مرجع فتوا با عالی‌ترین مقام اجتهاد و تقوی که مورد قبول همه علماء و کارشناسان اسلامی است، هیچگاه بخود حق نمی‌دهد در لزوم یا عدم لزوم جراحی چشم فلان مریض یا بریدن پای فلان بیمار یا میکانیکی هواپیمای جمبوجت اظهار نظر کند.

بدون شک سرنوشت کسانی که با اظهار نظرهای دینی و اسلام شناسی فلان مکانیسین یا دکترها مهندس و بطور کلی افراد فاقد صلاحیت ترتیب اثر دهند کمتر از سرنوشت کسانی که سوار جمبوجت شوند و خلبانی آنرا

واظرفی گالیله ستاره‌شناس معروف ایتالیائی چون گفته بود زمین بدور خورشید می‌چرخد بزندان افتاد تا وقتیکه عمال کلیسا توبه‌نامه‌ای بمیل خود تنظیم و گالیله آن را (برخلاف تشخیص قطعی علمیش) امضاء کرد و آزاد شد.

ولی بعدا بر اثر پیشرفت علم و دانش نه تنها پرده از روی این مطلب برداشته شد بلکه بشر با بکره ماه گذارد و می‌رود که دست بکره‌های دیگر نیز بزند.



باتوجه به این مطلب روی سخن در این مقاله با دودسته است:

نخست: نویسندگان و سخنرانان محترم و متدین که باتوجه بفرموده قرآن و کلام امیرمؤمنان علی (ع) مواظب باشند با از گلیم خود درازتر نکنند و بدانند اظهار نظرهای بیجا و بدون صلاحیت علمی و فنی رأی‌دینی صادر کردن، مسئولیت الهی دارد و کاری نیست که هرکسی بتواند از عهده‌ه مسئولیت آن برآید.

دوم: روی سخن با برادران و خواهران دینی، بویژه جوانان عزیز است که از یکطرف آماده شنوائی حق و تشنه حقیقت اند و از

یک نفر مجتهد یا دکتر روان پزشک یا مهندس ساختمان بعهده بگیرد نیست.

قرآن مجید می‌فرماید:
وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا
از آنچه نمیدانید پیروی نکنید، بی‌شک‌گوش، چشم، دل، همه مورد بازپرسی قرار می‌گیرند.

امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید:
لا تَقْلُ مَا لَا تَعْلَمُ... ۲

درباره آنچه نمیدانی سخن مگو و نیز می‌فرماید " لا تَقُولُوا بِمَا لَا تَعْرِفُونَ فَإِنَّ أَكْثَرَ الْحَقِّ فِيهَا تَنْكُرُونَ"^۳
سخن درباره آنچه نمیدانید مگوئید زیرا بسیاری از حقایق در آنچه نمی‌دانید نهفته است.

زمانی میگفتند خورشید بدور زمین می‌گردد و کره‌ها مثل طبقات پیاز رویهم قرار گرفته‌اند، آنگاه بر اساس این فرضیه‌های غلط، میگفتند مسئله معراج پیغمبر اسلام مستلزم خرق و التیام (پاره شدن و به هم پیوستن) هریک از کره‌ها از دیگری است. و چون خرق و التیام خلاف علم و عقل است معراج عملی و قابل قبول نیست!

۱- سوره بنی اسرائیل آیه ۳۸

۲- نهج البلاغه حکمت ۳۸۲-

۳- نهج البلاغه خطبه ۸۷

اگر نمیدانید از افراد آگاه سؤال کنید .

بنابراین ، باید در موضوعی که نظر داده می شود تخصص وجود داشته باشد . وزرو وبال ، و هرگونه زبانهای مادی و معنوی اظهار نظر بیجا و جوابهای گمراه کننده ، قبل از همه ، متوجه افراد سؤال کننده و انتخاب کننده کتاب و سخنران منحرف است که راه خطا پیموده و گفته ها و نوشته های نادرست ترتیب اثر داده اند .

از باب نمونه دیده اید ، افراد دست و پا شکسته ای که به جای مراجعه به متخصص شکسته بند ، بفلان دهاتی شکسته بند مراجعه نموده عمری شل بسر برده و ناراحتیهای اشتباه شکسته بند را بر خود تحمیل می نمایند همین مطلب در مراجعه به غیر متخصص در امور دینی نیز صادق است .

بقیه زن و مرد

همان قدرتی که بوسیله آن آزادی خود را به دست آورده اند با نتایج این آزادی مقابله کرده ، برای تطبیق لطف عشق و مادری با مهارتهای متنوع و هوش و زیبایی نا محدود که از مشخصات امروزی اوست راهی پیدا خواهد کرد . بامید آنروز !

طرفی دچار خوش باوریها و گرایشهای حساب نشده ای گردیده اند که از هر چیزی زیانیش بیشتر است .

آری اینان باید مواظب باشند که در انتخاب کتاب ، مجله ، جلسات سخنرانی و کنفرانس قبل از هر چیز فریب لغت ها ، کلمات ، عناوین فریبنده ، جلد های زیبا ، کاغذ های برقی ، " شرق شناسان " ، اسلام - شناسان ، و امثال اینهارا نخورند .

زیرا گروهی از افراد یهودی و مسیحی که بعنوان مستشرق کتابهایی پیرامون اسلام نوشته اند ، درباره قرآن و اسلام ، دروغ ، و تهمت نوشته و مینویسند در حالی که معلومات کافی و قصد خدمت به اسلام و مسلمین را ندارند تا اطمینان بگفته ها و نوشته های آنان پیدا شود بلکه اسلام را با قیافه نفرت انگیز و مسخ شده به شکل دائرة المعارف منعکس می کنند ، آنان فکر می کنند که چون در صنعت و تکنیک پیشروی کرده اند می توانند نظرات گوناگون علمی فقهاء و دانشمندان را استخراج کنند و درباره عقاید و احکام و مصالح اسلام اظهار نظر کنند .

در حالی که قرآن مجید می فرماید:

فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۴

۴- سوره نحل آیه ۶۶